**جستاری بر سازه های**

**"گفتمان روابط عمومی اسلامی"**

دكتر سيد مجتبي علوي

اشاره

آنچه که در پی می آید خلاصه ای از مقدمه کتاب "گفتمان روابط عمومی اسلامی " تالیف نگارنده است که به دلیل کمبود فضاي كاغذي در این ویژه نامه، مجبور به ایجاد و تخلیص فراوان شدم لذا بنا بر ضرورت "کارکردی – کاربردی " کتاب مذکور، انشاء الله در کنگره سوم در سال آتی، نسخ منتشر شده آن را بنا ذبر ضرورت و به رسم احترام به کارگزاران روابط عمومی ملل مسلمان تقدیم خواهد شد، از آنجائیکه به علت ایجاذ، ماهیت و زبان تئوریک این نوشتار بر مفهوم کاربردی آن غلبه می کند پیشاپیش پوزش می طلبم .

روابط عمومی و ارتباطات انسانی با دامنه های نامحدود و سیال و با وجود اهداف و ابزارها و روش های متعدد و متفاوت و همگن و یا ناهمگن ، چنان با تمامی تار و پود جوامع در چرخه های متكثر و با ماهيتي دگرگون شونده، با حيات فردي و اجتماعي ملل جهان عجین شده است که این منظومه ها و کهکشان های ارتباطی صرف نظر از تمایزات فرهنگی، جغرافیایی، جنسیتی، معیشتی، شغلی، سنی، تحصیلی، دین، اخلاقی، نژادی و زبانی مردمان جهان و صرف نظر از اهداف و روش ها و "ماهیت روش ها" و ابزارهای ارتباطی و صرف نظر از ماهیت گفتمانی آن، سخن گفتن را چنان سخت و دشوار مي كندکه لاجرم مجبوریم با ملاحظات علمی و تامل فراوان سخن گفته شود و گرنه فرو غلتیدن در چرخه تکرار توصیف کلیشه ها و سازه هاي ارتباطی شاید با هدف نهائی این کنگره ناساز و ناسازگار باشد.

آنچه که بنده را در ساختن"گفتمان روابط عمومی اسلامی" و در نگرش سیستمی درباره وسعت عظیم ملي ، منطقه اي و جهانی اش با گزاره ها و تکثرهای بیشمار آن، از فرو لغزیدن به تکرار گفته های پیشین باز می دارد وجود سه کلید واژه مهم در عبارت : "کنگره جهانی کارگزاران مسلمان روابط عمومی" است یعنی واژگان ، مفاهيم و اضلاع سه گانه : الف : جهانی بودن ب : روابط عمومی ج : کارگزاران مسلمان ، است .

اين سه تركيب ذهن مرا به بخشي از مقدمه کتابم بنام"گفتمان روابط عمومی اسلامی" معطوف نمود که بر عناصر هفتگانه : 1- علم 2- هنر 3- فلسفه 4- دین 5- نظام اخلاقی 6- تجربه بشری 7- فرهنگ ، تکیه دارد. اگر "هم معنائی های زمینه ای" و مشترکات دیني و اخلاقی و پیوستگی های جغرافیایی و خویشاوندی هاي فرهنگی جوامع مسلمان را به مدد توصيف ، تبیین و تحلیل و به مثابه "پيش نيازها و پيش سازه هاي" ساختار "گفتمان روابط عمومی اسلامی" فرض نمائیم این سازه های هفتگانه به معنای پیوستدار سیستم گفتمانی ما خواهند بود که از یکسو در یک تعامل كنشگرا و متعامل با اشکال هفت گانه هنر، می توانیم از دو نظام پيوستداري مرتيط بر هم ، چرخه های دیالكتیکی را انتزاع نمائیم که آنچه به مثابه خروجی یا رفتار "سیستم گفتمانی" قابل فهم و درک است به يقين اهداف غايي ما و كنگره را تامین می نماید به شرطی که تاویلی هرمنوتیک هم از مشتركات بنيادين و هم از "هم معنايي هاي زمينه اي" در ساختار و هم از سازه ها و مصالح چهارده گانه در پیوستدار آن و هم یک "سنتز مرکب و کنش گرا" را در خروجي و رفتار اين سيستم گفتماني ادراک نمائیم.

دین اسلام و نظام اخلاقی آن بعنوان ماهیت مشترک و خدشه ناپذیر کارگزاران ملل مسلمان در عرصه روابط عمومی و ارتباطات انسانی می تواند به معنای زمینه و بستر "گفتمان اسلامی روابط عمومی" تبیین نمود و از طریق کاهش ناهمگنی ها و به مدد اجماع در تفسیر و توصیف های درست حقایق انسان شمول، زمان شمول و مکان شمول برآمده از زمینه مشترک اسلامی، به یقین این قدرت را به ما می دهد که سازه ها و بافت ها و زمینه ها و داربست ها و مفاصل و اندام و کلیه املاح و مصالح ساختاری و پیوستداری را در گفتمان مورد نظر به خوبی بفهمیم و با اشتراک مساعی بعنوان مجموعه ای تام از اهداف کارکردی با روش های متفاوت در زیر چتر این گفتمان واحد ، تبیین و تحلیل کرده و راهی نوین را برای مقابله با بمباران های اطلاعاتی و مقابله با انبوه پارازیت های نظام سلطه ترسیم کنیم و به عنوان یک قطب جهانی با یک گفتمان پویا و کارآمد از کلیه عناصر انسانی و از کلیه امکانات موجود در حفظ و توسعه و کاهش بحران های ملل مسلمان بکوشیم، شاید لازم باشد که از خود بپرسم که : "گفتمان روابط عمومی اسلامی" چیست؟ برای چیست؟ برای کیست؟ ناپلئون بناپارت می گوید: "حکومت را می توان با زور سرنیزه به دست آورد اما برای حفظ آن باید به افکار عمومی تکیه نمود" .

 توسعه مولتی مدیا و جهانی شدن تجارت و استقرار تدریجی "مندیالیزش" در همه عرصه ها، یک مثلث را به وجو آورده است که دو قطب آن از نیمکره شمالی زمین با محوریت اروپايي- آمریکايي و با اهداف استکباری و غیر دیني و غیر اخلاقی و با دسیسه محوری و با سوء استفاده از علم و هنر و فن آوری و به مدد رسانه، انبوهي از اطلاعات هدفمند اقتصادی و سیاسی و امنیتی را بر ضلع مغلوب هرم اين مثلث در نيمكره جنوبي و بخش هايي بالاتر از استوا یعنی کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه فرو می بارانند و ملل مسلمان را در حالتی منفعل و مرعوب و در دور باطلی از واکنش های ناکامانه و زیانبار قرار داده است، دقیقاً اینجاست که ما کارگزاران روابط عمومی ملل مسلمان با اجماع در زمینه های مشترک دینی و اخلاقی می توانیم این مثلث را بازگونه کنیم و با ساخت یک گفتمان علمي ، اسلامی و کنشگر و پویا که دارای ساختاری تحکیم یافته و با یک پیوستدار سیال و معرفت جو و با اشتراک در ماهیت روش های خود، بتوانیم بر این حفره غوغا یا بر این هجمه هدفمند سیاسی- امنیتی نظام سلطه غلبه کرده و به یک قطب ارتباطی- فرهنگی و علمی تبدیل شویم.

نگرش سیستمی "گفتمان روابط عمومی اسلامی"یک نگرش ایدئولوژیک و یا یک نگرش بنیادگرایانه و ستیزه جو نیست بلکه یک منظومه بزرگ معرفتی و علمی است که کارگزاران اسلامی در عرصه روابط عمومی و ارتباطات انسانی در سطوح فروملی، ملی، منطقه ای و جهانی به کنشگری مسلح می کنند.

ساختن یک گفتمان واحد و پویا به معنای کشف DNA همبستگی و پیداکردن زنجیره و سررشته ژنتیکی در بستر فرهنگی – اجتماعی جوامع و ملل مسلمان برای شکل دهی اهداف مشترک خواهدبود ، ساختن بافت ها و عصب ها و اندام یک اجماع نظری بدور از فروض و انگاره های محال از طریق اطلاع یابی و درک درست واقعیت های زمینه ای، قطعاً یک داربست و ساختار گفتماني با غناي پيوستداري برای زدودن سلطه ،زور و تزویر و برای به محاق کشیدن تبعیض های قومی، دینی، نژادی و برای مقابله با تهدیدها و بحران ها و برای مقابله با نابرابري های جنسیتی ،سیاسی، اقتصادی در خود جوامع مسلمان و در تقابل با قطب های جهانی تشکیل مي دهد.

برای درک بهتر موضوع لازم است بدانیم که روابط عمومی با تکثرهای پردامنه اش در کلیه ممالک اسلامی، جدای از دین و جداي از نظام هاي اخلاقی و جداي از واقعیت های فرهنگی – اجتماعی نیست لذا پیوستگی جغرافیایی ملل مسلمان و ماهیت مشترک دیني و اخلاقي و وجود خویشاوندی های نژادی و فرهنگی به مثابه دورنمای ساختار گفتمان اسلامی ضمن بهره مندی از سازه های هفتگانه و با اجماع در تفسیر و تبیین و تحلیل های متعين علمی می توان به افزایش همسویی و به کاهش ناهمگني ها برای تثبیت گفتمان مورد نظر امیدوارم بود و این کنگره قطعاً مقدمات این سرنوشت بزرگ را ورق زده است.

"گفتمان روابط عمومی اسلامی" به عنوان یک سپر دفاعی و یک راهبرد پیشگیرانه و به مثابه یک سیستم پدافند عامل برای خنثی سازی بمب های اطلاعاتی و دفع پارازیت های سیاسی- امنیتی نظام سلطه خواهد بود ، در تبیین سه نگرش : الف: نگرش سهم خواهانه، ب: نگرش وهم خواهانه، ج: نگرش فهم خواهانه ، نظام سلطه با دو نگرش "سهم خواهی" و "وهم خواهی" قصد به محاق بردن قابلیت های "فهم خواهانه" ملل مسلمان در تمامی عرصه ها بخصوص عرصه روابط عمومی و علوم ارتباطات دارد و نبود یک گفتمان کنش گرا همواره پاشنه آشیل ما بوده است که الحمدالله با همفکری و همدلی و همراهی کاگزاران مسلمان و با ساخت و تبیین وتحلیل و کاربردی کردن گفتمان راهبردی خود بتوانیم بر "سهم خواهی و وهم خواهی" های دو قطب نظام سلطه در نیمکره شمالی یعنی قطب اروپايي – آمریکايي در عرصه پیام و در ساختن پیام و تبيين وتحليل و ارسال پیام بر اين موانع چیره شویم.

"گفتمان روابط عمومی اسلامی" با سازه ها و املاح و مصالح منحصر به فرد خود می تواند با امواج افقی و عمودی و کنش های دو سویه در افق و عمود پیام های ارسالی خود ، تمامی دسیسه های فریبا و جذاب و در عین حال پيچيده و خطرناك نظام سلطه را خنثی نماید ، داشتن یک گفتمان مسلط و کنشگرای اسلامی به معنای تحقق تمامی اهداف ارتباطی مسلمان در همه عرصه ها خواهد بود زيرا اين نوع گفتمان ، مجسم کننده معنا و ارتباط براي رسيدن به غايت ها در همه عرصه هاي اجتماعی ، سياسي ، اقتصادي ، فرهنگي و ... خواهد بود .

"گفتمان اسلامی روابط عمومی" دارای سطوح نظری و عملی است كه هر دو سطوح شامل اطلاع یابی در عرصه های قوم شناسی، مردم شناسی، بوم شناسی، ریخت شناسی اجتماعی ، روانشناسی عمومی و اجتماعی ، جامعه شناسی ، زمینه شناسی، زبان شناسی، نشانه شناسی، زیبائی شناسی و دارای دو موتور محرکه درونی و برونی شامل وجود چرخه های فعال و متعامل دیالكتيکی چهارده گانه و چرخه های تحلیل و تاویل هرمنوتیکال است .

تفسیر و توصیف واقع بینانه "دانش زمینه ای" دین و نظام های اخلاقی در جوامع مسلمان ، تبیین شالوده های اجتماعی و کشف رازواره های موجود در بافت و عضله های اجتماعی جوامع و استخراج حداکثری مشترکات به ما کمک می کند که از پروسه های تقلید و تنقيد و تحقیق، به پروسه تعلیم در پیام سازی و ارسال پیام برسیم. با تکیه بر آموزش و تعلیم و پژوهش و با رخنه این گفتمان نوین در نظام ها و سیستم های آموزشی ملل مسلمان و ایجاد انگیزه برای توسعه "هم معنایی ها" در زبان و در روش و در ماهیت روش و در کارکردهاي "گفتمان روابط عمومی اسلامی" انشاأالله بتوانیم حفره غوغای آتشین نظام سلطه را برای کاستن از آلام ملل مسلمان برای همیشه خاموش کنیم ،کارگزاران مسلمان چنانچه بتوانند فاصله "نگرش – رفتار" خود را به حداقل ممکن کاهش دهند بیگمان این یکی شدن "نگرش – رفتار" ، ساختار گفتمان مورد نظر را به وجود می آورد و مرکزیتی خلق می شود که بر مدار سازه های هفتگانه دین ،اخلاق، هنر، فلسفه ، تجربه ، علم و فرهنگ ، اندک اندک پیوستدار سیستم گفتمانی به مثابه مدار شکل می گیرد و به مدد مولتی مدیا و با بهره مندی از اشکال هفتگانه هنر در جرخه هاي تعامل و تلفیق و ترکیب و بازتولید و باز تعریف ابعاد و اضلاع خود ، بتدريج نمایان شدن طول و عرض و ارتفاع مورد نظر، محور حرکت را مشخص می كند ، یعنی با همدلی و با اجماع کارگزاران، مرکز و مدار و محور "گفتمان اسلامی روابط عمومی" شکل می گیرد.

تلاش جمعی کارگزاران، فیلسوفان و نخبگان علوم ارتباطی بخصوص متولیان روابط عمومی در عرصه اجماع در تبيين و تحليل و در طراحی روش و متعین کردن کارکرد های عملی در گرو نگرش موضوعی است زیرا اگر فاقد نگرش موضوعی باشیم به تله "مسئله محوری" می افتیم و سوء ظن ، تضاد ، جبهه گیری، تفرق و واگرايي بوجود مي آيد که در فرو غلتیدن به "مسئله محوری" در قبول یا انکار راه حل های فرضی و محال به جای تعامل و اجماع ، به واگرائی و تقابل کشیده مي شویم.

"گفتمان روابط عمومی اسلامی " بعنوان یک ابر قدرت ارتباطی در ماورای سلطه های ایدئولوژیک یا "سهم خواهانه"و " وهم خواهانه" بوجود می آید، تحکیم ساختار و فعال شدن چرخه های تعاملی پیوستدار وکارکرد اثربخش رفتار آن بتدریج سرعت، شدت، جهت و توان خود را بازیابی می کند.

روابط عمومی به شکل متعارف در عرصه های تجاری، صنعتی، بازرگانی، کشاورزی و سیاسی با ماهیت "گفتمان روابط عمومی اسلامی" متفاوت است زیرا "گفتمان روابط عمومی اسلامی" از ماهيتي فرا پیام برخوردار است که همزمان با "مرزبانی و دیده بانی" و کاهش آسیب و رفع پارازیت به بازیافت و تكثير سازه ها و عناصر خود بصورت کوانتومی عمل می نماید و افکار جمعی و " اطلاع یابی" و توزیع آگاهی را جایگزین تبلیغ و جایگزین روش های فریبکارانه در متقاعدگری های نظام سلطه می كند لذا اجماع سیستماتیک کارگزاران و کاربران " گفتمان روابط عمومی اسلامی" در گرو قدرت یابی در پژوهش و آموزش است، با توجه به بحران های آشکار و پنهان ملل مسلمان در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی ، اجتماعی و تاریخی لذا برای مقابله با این بحران ها به مرکزیت و مدار محوری محتاج هستیم که همانند منظومه ای از هستی انسان، منشاء حیات واقعی برای انسان باشد و این مرکزیت و محور ومدار ، كاركردي بودن همین "گفتمان روابط عمومی اسلامی" است كه ساختار و پیوستدار و رفتارش به معنای گشايش راهي نوين در تحقق آمال های تاریخی ملل مسلمان و به معنای ترمیم آلام های تاریخی آنهاست.